



## عینک دیده‌ما دور نما افتاده‌ست

در عالم شعر، نخستین مواجهه شاعر با عینک به مثابه یک مفهوم، در فرامتن - و نه در متن شعر - رخ می‌دهد. آنجا که این جمله مشهور در انجمن‌های ادبی را می‌شنود که: «شاعر باید با عینک خود به جهان پیرامون بنگرد» در اینجا استفاده از عینک، در حقیقت مفهومی کنایی از زاویه دید یا همان «منظر» است که بیان می‌کند نخستین ویژگی برای شاعرانگی یا شاعر بودن، این است که شاعر بتواند با زاویه دید متفاوت از دیگران و منحصر به خودش به اشیا و پدیده‌ها بنگرد. از این منظر است که روایت - برای مثال - حافظ از وصل یا هجران با وحشی بافقی و روایت وحشی با اقبال لاهوری و الخ متفاوت است.

از این فرامتن که بگذریم، عینک در شعر شاعران هندی بیش از شاعران دیگر به چشم آمده است. جالب است که در تمام دیوان حافظ و سعدی، حتی یک بار نیز از این واژه استفاده نشده، اما از آنجا که شاعران سبک هندی در استفاده از اشیا و واژگان کم‌بسامد در عالم شعر اصرار داشته و حتی به مرز افراط رسیده بودند، می‌توان این واژه و واژگان این چینی را در دواوین آنها سراغ گرفت. صائب می‌گوید:

غنیمت دان درین وحشت سرا خلوت‌گزینی را  
که از پوشیدن چشم است عینک دوربینی را  
از جمله واژگانی که در شعر هندی، غالباً مجاور عینک بوده و با آن مضمون ساخته است، «حباب» است. تشبیه این دو به هم به اعتبار کروی بودن شیشه عینک، آیینگی و مفهوم کنایی آن (خالص و زلال بودن)، ارتباط این دو با مفهوم چشم (در حباب به اعتبار کروی بودن) و... از مضامینی است که در این زمینه بیشتر به کار گرفته شده است. چنان که بیدل می‌گوید:

سواد اضطراب موج این طوفان نشد روشن  
حباب آن به که عینک بشکند در دیده جیحون

صائب حباب را در شعرش این گونه به عینک مانند کرده است:

صیقل آینه ما گوشه ابروی ماست  
عینک ما چون حباب از گوشه زانوی ماست



↑ بیخود نبود که دوست شاعر ما، عزیز عباسی، طرح جلد کتاب گزیده ترانه‌های دهه شصتی‌ها را به عکس یک عینک مزین کرد. عینک هم می‌تواند شاعرانه باشد!

## عینک چیست و در تاریخ فرهنگ و هنر چه نقشی را ایفا می‌کند؟

# ساختن جهان‌های تازه با چشم‌های نزدیک‌بین!

← نمی‌دانم پیش‌تر در کدام کتاب و از زبان کدام نویسنده خوانده بودم که انسان‌ها بعد از مرگ، حیات‌شان را در اشیا یا به آنها منسوب است و در دوران حیات‌شان به آنها دلبسته بوده‌اند، ادامه می‌دهند. الان که این جمله را بازگو می‌کنم، به یاد کتاب‌های دینی می‌افتم که در آنها به اعمالی با آثار به اصطلاح «مات‌آخر» اشاره شده بود. اعمالی که بعد از مرگ انسان نیز برای متوفی برکاتی را حاصل می‌کنند و در حقیقت «به حیات‌شان ادامه می‌دهند». اگر اعمال انسان می‌تواند چنین شاخصه‌ای داشته باشد، چرا اشیا یا متعلق به او که در دوران زندگی اش به آنها روح و عشق داده، این گونه نباشند؟ در این صفحه از این به بعد درباره این اشیا حرف می‌زنیم. تمامی چیزهایی که می‌توان در زندگی انسان‌های بزرگ عالم هنر، ادبیات و اندیشه رد پای از آنها پیدا کرد. این بار قلاب ما برای سخن گفتن از اشخاص، اشیا خواهند بود و این شماره را با «عینک» شروع می‌کنیم؛ وسیله‌ای که احتمالاً اولین نماد عینی از فرهیختگی، روشنفکری، هنرمندی و امثال اینها باشد. اولین چیزی که برای ساختن یک «تیپ» از یک شخصیت فرهیخته به آن نیاز داریم!



←  
عینک جان  
لنون، خیلی  
زود به عنوان  
یک مد در بین  
جوانان پرت‌فردار  
شد. هر چند  
که او به خاطر  
نزدیک‌بینی  
شدیدش عینک  
می‌زد، نه برای  
خوشنیتی!

## بشدت نزدیک‌بین، بشدت خلاق

بسیاری از آن دوران از همکاری با لنون دارد، از جمله یک دستورالعمل دستنویس و طرح‌هایی که لنون در آنها به دقت جزئیات عینک‌ها و لعاب آنها را برای اپتومتریست خود شرح داده است.

در سال ۲۰۱۹ عینک صفحه گرد معروف جان لنون در حراجی ساتبیز به قیمت ۱۳۷ هزار پوند فروخته شد. آلن هرینگ، که در اواخر دهه ۶۰ میلادی به عنوان راننده برای لنون کار می‌کرد، می‌گوید لنون پس از ترک ماشین وی، روی صندلی عقب مرسدس خود این عینک را به او داده بود.

در طی سال‌ها، عینک‌های نمادین با فریم سیمی که جان لنون، خواننده افسانه‌ای گروه مشهور بیتلز بر چشم می‌زد، به بخشی از ظاهر ماندگار او تبدیل شده بود به طوری که هنوز هم این عینک‌ها را «عینک‌های لنونی» صدا می‌زنند. اما لنون این عینک‌ها را به خاطر تمایلات مد و فشن خود نمی‌پوشید و این عینک‌ها در واقع به او کمک می‌کردند تا با نزدیک‌بینی شدیدش کنار بیاید. گری تریسی، یک اپتومتریست اهل نیویورک سیتی، از سال ۱۹۷۵ کار با لنون را آغاز کرده و چندین عینک بسیار مشهور برای وی ساخت. تریسی یادگاری‌های